



تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اجتناب مالیاتی مبتنی بر روابط

سیاسی

مهدی کاظمی علوم

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

محسن ختن‌لو^۱

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

امین سهرابی

حسابرس ارشد، سازمان امور مالیاتی، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۸ آبان ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ فروردین ۱۴۰۴)

بر اساس نظریه منافع سیاسی، شرکت‌ها و مدیران وابسته به نهادهای دولتی یا سیاسی، ممکن است تمایل به رفتارهای اجتناب مالیاتی داشته باشند. شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند؛ زیرا این روابط منافع زیادی در پی دارد. منافع شخصی و انگیزه‌های سیاسی به شدت با تصمیمات شرکت‌ها، به ویژه در رفتارهای مرتبط با اجتناب مالیاتی مرتبط است. بر این اساس هدف این پژوهش بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت اطلاعات حسابداری است. در راستای دستیابی به این هدف و آزمون فرضیه‌های پژوهش، داده‌های ۱۶۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۱ جمع‌آوری و با رویکرد رگرسیون چندگانه مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان ارتباطات سیاسی، میزان اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج حاکی از آن است که کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر تعدیلی معناداری در رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی دارد. آزمون استحکام نتایج با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته نیز مویّد تأثیر معنادار کیفیت اطلاعات حسابداری در رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی است و استحکام نتایج را تقویت می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش کیفیت اطلاعات حسابداری یک ابزار مؤثر در کنترل فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است و رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی، کیفیت اطلاعات حسابداری.

¹ mkhotanlou@basu.ac.ir

مقدمه

از دیرباز، مالیات یکی از مهمترین منابع تأمین مالی دولت‌ها و ابزاری برای ایجاد عدالت اقتصادی، رونق اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری بوده است [۳]. جلوگیری یا کاهش میزان اجتناب مالیاتی^۱ در سال‌های اخیر از دغدغه‌های مهم دولت‌ها بوده است. اجتناب مالیاتی ناشی از تفاوت منافع بین مالیات‌دهنده و مالیات‌ستان است. دولت‌ها معتقدند که افزایش درآمدهای مالیاتی به بهبود و اصلاح اقتصادی کشورها کمک می‌کند [۱۵]. از سوی دیگر، شرکت‌ها می‌خواهند مالیات‌های پرداختی خود را به حداقل و در عین حال سود پس از کسر مالیات را به حداکثر برسانند. این تضاد منافع دلیل اصلی اقدامات اجتناب مالیاتی است. در این رابطه، رستی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) استدلال کردند که اجتناب مالیاتی برای شرکت‌ها دو اثر منفی و مثبت دارد. اثر منفی زمانی است که مقامات مالیاتی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را شناسایی کنند، که منجر به پرداخت مالیات بیشتر و جریمه‌ها می‌شود و در نتیجه بر جریان نقدی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. اثر مثبت نیز زمانی است که شرکت‌ها از اجتناب مالیاتی سود ببرند، مانند صرفه‌جویی در نقدینگی و از آن در سایر فعالیت‌ها مانند سرمایه‌گذاری و تأمین مالی استفاده کنند [۴۱].

یکی از عوامل اساسی تأثیرگذار بر انگیزه‌های مدیریت برای اجتناب مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، عامل سیاسی بودن مدیران شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها است [۶]. اجتناب مالیاتی بیشتر، منجر به فرصت بیشتری برای ذینفعان دارای ارتباطات سیاسی جهت اجرای رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌شود و نهایتاً منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌گردد [۱۶]. بنابراین، این افراد سعی خواهند کرد از پرداخت مالیات اجتناب نموده تا منافع شخصی خود را افزایش دهند. دسای و همکاران^۳ (۲۰۰۷) اذعان می‌نمایند که اجتناب مالیاتی فرصت بیشتری برای سیاستمداران فراهم می‌کند تا منابع شرکت‌ها را به نفع خود منتقل کنند [۲۵]. به اعتقاد لئو و همکاران^۴ (۲۰۱۵) سیاست به شدت با تصمیمات شرکت‌ها، به ویژه در رفتارهای مرتبط با اجتناب مالیاتی به دلیل انگیزه‌های سیاسی و منافع شخصی، مرتبط است [۳۶].

بر اساس استدلال زجنولاهو^۵ (۲۰۲۱) سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌توانند به عنوان جایگزین یا مکمل در حل مسئله نمایندگی عمل کنند. نقش جایگزینی به این معناست که عملکرد حاکمیت شرکتی به‌طور مستقل مشکل نظریه نمایندگی ایجاد شده توسط ارتباطات سیاسی را کاهش می‌دهد. در حالی که نقش مکمل بدان معناست که عملکرد حاکمیت شرکتی اثر مثبت سیاست را تقویت یا اثر منفی آن را بر شرکت‌ها کاهش می‌دهد [۴۵]. در این راستا، عبدالوهاب و همکاران^۶ (۲۰۱۷) نشان دادند

¹ Tax Avoidance

² Resti et al.

³ Desai et al.

⁴ Lio et al.

⁵ Zejnullahu

⁶ Abdul Wahab et al.

که ارتباطات سیاسی پرخاشگری مالیاتی^۱ بیشتر را تقویت می‌کند و حاکمیت شرکتی نمی‌تواند اجتناب مالیاتی ناشی از سیاست را کاهش دهد [۸]. بنابراین، اجتناب مالیاتی مسئله مهمی است که نیاز به بررسی دارد، به ویژه در اقتصادهای نوظهوری مانند ایران که در سال‌های اخیر تمرکز زیادی بر مالیات صورت گرفته است و ذینفعان سیاسی ممکن است بر اجتناب مالیاتی و منابع شرکت‌ها تأثیر داشته باشند و در نتیجه اثر بیشتری بر اقتصاد کشور بگذارند.

جنسن و مک‌لینگ^۲ (۱۹۷۶) معتقدند که مشکل نمایندگی زمانی به وجود می‌آید که ذینفعان سیاسی اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران داشته باشند؛ این امر مشکل عدم تقارن اطلاعاتی را ایجاد می‌کند. این مشکل به سیاستمداران قدرت بیشتری می‌دهد تا از اطلاعات شرکت استفاده کرده و ارقام حسابداری را تغییر دهند تا ثروت خود را افزایش دهند [۳۲]. به گفته الصمدی^۳ (۲۰۲۳) کیفیت اطلاعات حسابداری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از قدرت انحصاری سیاسی بسیار ضروری است و موجب کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی و کنترل بر ذینفعان سیاسی می‌شود [۱۲]. اطلاعات حسابداری به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا اطلاعات بیشتری داشته باشند و این امر عملکرد حاکمیتی درون شرکت را منعکس می‌کند. بنابراین، کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه سیاسی را به دست گیرد [۳۷].

در زمینه نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی، دسای و دارماپالا^۴ (۲۰۰۶) و انوار و همکاران^۵ (۲۰۱۴) اذعان کردند که حاکمیت شرکتی خوب منجر به کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شود [۱۳، ۲۴]. مطالعات متعددی به بررسی عملکردهای حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند، اما کیفیت اطلاعات حسابداری به‌عنوان یک ابزار حاکمیتی کمتر مورد بررسی قرار گرفته و همچنان تأثیر آن مبهم است. بوشمن و اسمیت^۶ (۲۰۰۱) معتقدند که کیفیت بالای اطلاعات حسابداری به‌عنوان حاکمیت شرکتی خوب برای محدود کردن مدیریت از درگیر شدن در فعالیت‌های انحصاری و کاهش هرگونه عدم تقارن اطلاعاتی عمل می‌کند [۱۷]. بنابراین، کیفیت اطلاعات حسابداری ممکن است نقش مهمی بر اجتناب مالیاتی و فعالیت‌های فرصت‌طلبانه سیاسی ایفا کند. به گفته کینگ‌یوان و لومنگ^۷ (۲۰۱۸) کیفیت اطلاعات حسابداری نقش مهمی در کاهش هزینه‌های نمایندگی در ارتباط با اجرای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی دارد. کیفیت اطلاعات حسابداری افشای اطلاعات را افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان یک سازوکار حاکمیتی خوب برای کاهش اجتناب مالیاتی درون شرکت عمل نماید [۳۹].

¹ Tax Aggressiveness

² Jensen & Meckling

³ Alsmady

⁴ Desai & Dharmapala

⁵ Annuar et al.

⁶ Bushman & Smith

⁷ Qingyuan & Lumeng

از این رو، این مطالعه به بررسی تاثیر کیفیت اطلاعات حسابداری در رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی می‌پردازد. بنابراین، انتظار می‌رود این مطالعه به بسط و توسعه ادبیات نظری و تجربی در زمینه اجتناب مالیاتی در محیط ایران که در سال‌های اخیر با محدودیت منابع روبرو بوده است، منجر شود. در مطالعات قبلی داخلی و خارجی، تأثیر مستقیم کیفیت اطلاعات حسابداری بر اجتناب مالیاتی بررسی شده است. با این حال این پژوهش جزو محدود مطالعاتی است که به بررسی تأثیر تعدیل‌کننده کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی می‌پردازد. همچنین انتظار می‌رود که این مطالعه پیامدهای قابل توجهی برای تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی داشته باشد. یافته‌های این پژوهش عواملی را شناسایی می‌کند که به دولت کمک کند تا منابع خود را حفظ نمایند. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران و شرکت‌ها در اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری برای مهار دخالت‌های سیاسی در بازار سرمایه کمک کند.

پیشینه نظری و تجربی

ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی

در سال‌های اخیر موضوع اجتناب مالیاتی و عوامل موثر بر آن در پژوهش‌های اقتصادی و مالی بسیار مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. به گفته آرون‌وان و اکافور^۱ (۲۰۱۹)، اجتناب از مالیات هر برنامه‌ای از سوی شرکت برای کاهش پرداخت مالیات است، چه از طریق روش‌های قانونی یا غیرقانونی [۱۴]. بر اساس نظریه نمایندگی، برخی از مطالعات نشان می‌دهد که مدیران با اجتناب مالیاتی مرتبط هستند؛ زیرا آنها همیشه انگیزه‌هایی برای به حداقل رساندن هزینه‌های مالیاتی و کمک به افزایش ارزش شرکت‌ها دارند. مدیران، مسئول نظارت بر برنامه‌ریزی و استراتژی‌های مالیاتی، از جمله تعیین درجات اجتناب مالیاتی شرکت‌هایشان هستند [۲۹، ۳۵]. بسیاری از پژوهش‌ها، اجتناب مالیاتی را به وابستگی سیاسی مدیران شرکت‌ها مرتبط می‌کنند. بر اساس این مطالعات، ارتباطات سیاسی تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد [۳۸، ۱۰]. به گفته رشیدی و محمدی‌راد (۱۳۹۹) مدیران شرکت‌های دولتی برای ارائه تصویر مطلوب‌تری از شرکت و حفظ موقعیت و منافع شخصی ممکن است به دنبال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی باشند [۴]. شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی فرصت بیشتری برای نشان دادن رفتار فرصت‌طلبانه دارند؛ زیرا قدرت بیشتر آنها باعث می‌شود در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتری درگیر شوند [۳۶]. همچنین افراد داخلی سیاسی احتمال بیشتری دارند که از منابع شرکت برای توسعه منافع شخصی خود استفاده کنند [۲۸]؛ زیرا آنها نسبت به سرمایه‌گذاران، اطلاعات بیشتری در اختیار دارند. بنابراین، انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی تأثیر داشته باشد. با این حال جلالی و همکاران (۱۳۹۹) دریافتند ارتباطات سیاسی به‌عنوان سازوکار نظارتی قوی در کاهش هزینه نمایندگی عمل کرده و باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود [۲].

¹ Aronmwan & Okafor

نظریه نمایندگی استفاده سیاسی از منابع شرکت برای افزایش ثروت مدیران را مورد بحث قرار می‌دهد که منجر به هزینه‌های نمایندگی بالاتر می‌شود [۳۲]. سیاستمداران ممکن است از نفوذ خود برای اجتناب از مالیات بیشتر استفاده کنند. نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که سیاست به اجتناب از مالیات کمک می‌کند. مطالعه بوجه و تیجاندر^۱ (۲۰۱۴) تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی را بر اجتناب مالیاتی نشان داد [۱۸]. چن و همکاران^۲ (۲۰۲۱) دریافتند که شرکت‌ها پس از روی کار آمدن مدیران جدید، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهند [۲۰].

بر اساس نظریه منافع سیاسی^۳ که به چگونگی تأثیر قدرت و نفوذ سیاسی بر تصمیمات اقتصادی و مالی سازمان‌ها می‌پردازد، شرکت‌ها و مدیرانی که به نهادهای دولتی یا سیاسی نزدیک هستند، ممکن است تمایل به رفتارهای اجتناب مالیاتی داشته باشند. شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند؛ زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی آسانتر به بازارها، تخفیف‌های مالیاتی و دسترسی به اعتبارات دولتی در پی دارد [۷]. نظریه اقتصاد سیاسی بیان می‌کند شرکت‌های با روابط سیاسی، قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی و زد و بندهای سیاسی می‌توانند در پروژه‌های مالیات‌کاه سرمایه‌گذاری کرده و مالیات خود را مدیریت نمایند [۵]. همچنین با توجه به فرضیه سیاسی، کیم و ژانگ^۴ (۲۰۱۶) معتقدند شرکت‌های دارای روابط سیاسی قوی به دلیل پایین بودن هزینه‌های مورد انتظار عدم رعایت قوانین و مقررات مالیاتی، دارا بودن مزیت اطلاعاتی در خصوص قوانین مالیاتی و اجرایی سیاست‌های مالیاتی، مالیات متهورانه‌تری دارند؛ از این رو احتمال این که شرکت‌های مزبور مالیات ابرازی خود را به درستی ارائه نکنند بیشتر است [۳۴].

فاسیو^۵ (۲۰۱۰) معتقد است که ارتباطات سیاسی باعث می‌شود که شرکت‌ها منابع مالی بیشتر و اهرم‌های بالاتری کسب کنند که این امر منجر به کاهش پرداخت مالیات و افزایش قدرت در بازار می‌شود. همچنین، ارتباطات سیاسی در کشورهایی که فساد جدی‌تری دارند، نظارت و کنترل بیشتری بر اجتناب مالیاتی در این شرکت‌ها اعمال می‌کند [۲۶]. افزون بر این، نظریه وابستگی به منابع به عنوان یک نظریه مکمل برای نظریه نمایندگی مطرح است. در این رابطه، هیلمن و همکاران^۶ (۲۰۰۹) استدلال کردند که انتصاب افراد با ارتباطات سیاسی، یک موقعیت قدرتمند کلیدی در شرکت‌ها است که منابع خارجی بیشتری برای حمایت از شرکت‌ها در بازار فراهم می‌کند [۳۰]. رستی و همکاران (۲۰۲۰) بیان می‌نمایند اجتناب مالیاتی زمانی اتفاق می‌افتد که سیاستمداران با امکان کمتری برای شناسایی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی به شرکت‌های وابسته خود کمک کرده و از آنها محافظت کنند [۴۱]. عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) تأیید کردند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی

¹ Butje & Tjondro

² Chen et al.

³ Political Economy Theory

⁴ Kim & Zhang

⁵ Faccio

⁶ Hillman et al.

بیشتری دارند [۸]. دسای و همکاران (۲۰۰۷) از این استدلال حمایت و بیان کردند که اجتناب مالیاتی فرصت بیشتری را به سیاستمداران می‌دهد تا منابع شرکت‌ها را به نفع خود انتقال دهند [۲۵]. لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که سیاست به شدت با تصمیمات شرکت‌ها به ویژه در مورد رفتار اجتناب مالیاتی به دلیل انگیزه‌های سیاسی و منافع شخصی مرتبط است [۳۶]. کاظمی سراسکاندود و شیرخدایی (۱۴۰۲) نشان دادند روابط سیاسی شرکت بر اجتناب مالیاتی آن تأثیر دارد [۶]. الصمدی (۲۰۲۳) نشان داد که ارتباطات سیاسی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت دارد [۱۲]. نتایج پژوهش سوسانتی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) از تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی حمایت می‌کند [۴۳]. بر اساس استدلال‌ها و شواهد پژوهش‌های پیشین، ارتباطات سیاسی ممکن است بر اجتناب مالیاتی و منابع شرکت‌ها تأثیر بگذارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه ۱: ارتباطات سیاسی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی

کیفیت بالای اطلاعات حسابداری به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تصمیمات بهتری بگیرند و تخصیص منابع شرکت را بهبود بخشند [۳۹]. مطالعات پیشین بر اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان یک نقش حکمرانی مؤثر در شرکت‌ها تأکید کرده و آنرا موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌دانند [۲۵]. کینگ‌یوان و لومنگ (۲۰۱۸) دریافتند بین افشای اطلاعات حسابداری و اجتناب مالیاتی رابطه منفی وجود دارد. در نتیجه، انتظار می‌رود اجتناب مالیاتی با کیفیت اطلاعات حسابداری به‌طور معکوس مرتبط باشد [۳۹]. مطالعه نقش کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان متغیر تعدیل‌کننده بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا هزینه‌های نمایندگی سیاسی را در این زمینه کاهش دهند. بر اساس نظریه نمایندگی، عملکرد خوب حاکمیتی به شرکت کمک می‌کند تا ارتباطات سیاسی را کنترل، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش و تأثیرات منفی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به حداقل برساند [۱۲]. چن و لین (۲۰۱۷) از این استدلال حمایت و یک همبستگی مثبت بین عدم تقارن اطلاعاتی و اجتناب مالیاتی یافتند [۲۱].

بر اساس مطالعات، حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش مکمل یا جایگزینی در برخورد با مشکل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی [۴۴] و همچنین کاهش رفتار فرصت‌طلبانه سیاسی (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷) داشته باشد [۹]. بوشمن و اسمیت (۲۰۰۱) بیان کردند که اطلاعات حسابداری یک تابع حکمرانی خوب است و نقش بازدارنده برای ارتباط سیاسی فرصت‌طلبی را که از منابع شرکت‌ها استفاده می‌کند، ایفا می‌نماید. همچنین آنها معتقدند که کیفیت بالای اطلاعات حسابداری، حکمرانی خوب به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است [۱۷]. در مقابل برخی از پژوهش‌ها تأثیر منفی کیفیت اطلاعات حسابداری را بر اجتناب مالیاتی تأیید می‌کنند [۳۹]. الصمدی (۲۰۲۲) نشان داد کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه بین اجتناب مالیاتی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را از منفی به مثبت تغییر می‌دهد

¹ Susanti et al.

[۱۱]. همچنین عملکرد جایگزین کیفیت اطلاعات حسابداری به طور منحصر به فرد اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد [۲۵]. در همین حال، نقش مکمل به این معنی است که کیفیت اطلاعات حسابداری از ارتباط سیاسی برای کاهش اجتناب مالیاتی یا تغییر اثر ارتباط سیاسی از مثبت به اثر منفی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند. الصمدی (۲۰۲۳) نشان داد کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد [۱۲]. جونی و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که ارتباطات سیاسی ابعاد خارجی سازوکارهای حاکمیت شرکتی هستند که بر رفتار شرکت تأثیر می‌گذارند [۳۳]. همچنین چنی و همکاران (۲۰۱۱) اظهار داشتند فشار و دخالت سیاسی ممکن است جایگزین افشای اطلاعات با کیفیت بهتر شود و در نتیجه پیامدهایی برای شرکت ایجاد کند [۱۹]. آنها استدلال کردند که شرکت‌ها ممکن است برای دستیابی به منابع مالی بیشتر و محافظت در برابر پیامدهای منفی ناشی از افشاهای ضعیف، با سیاست مرتبط شوند. این موضوع باعث می‌شود که این شرکت‌ها توجه کمتری به انطباق با فشارهای بازار داشته باشند و در نتیجه اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین ارائه و افشا شوند. این استدلال‌ها نشان می‌دهد که تأثیر ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی ممکن است زمانی که عملکرد حاکمیتی مانند کیفیت اطلاعات حسابداری اجرا شود، تغییر کند و نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد. بنابراین، کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند نقش تعدیل‌کننده رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی ایفا کند. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود.

فرضیه ۲: کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۱ است که طی دوره زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند، از شرکت‌های فعال در صنایع مالی شامل بیمه، بانک، لیزینگ و سرمایه‌گذاری نباشند و داده‌های آنها برای محاسبه متغیرهای پژوهش در دسترس باشد. با اعمال محدودیت‌های مذکور تعداد شرکت‌های واجد شرایط باقیمانده به عنوان نمونه انتخاب شدند (جدول ۱). پس از استخراج داده‌ها از سایت کدآل و نرم‌افزار ره‌آورد نوین و محاسبه متغیرها، با استفاده از نرم‌افزار ایویوز به تجزیه‌تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱: شرایط غربال جامعه آماری پژوهش

ردیف	شرح	تعداد شرکت
۱	کل شرکت‌های فعال عضو بورس در پایان سال ۱۳۹۴	۴۱۷
۲	شرکت‌های فعال در صنایع مالی: بیمه، بانک، هلدینگ، لیزینگ و سرمایه‌گذاری	(۹۵)
۳	تعداد شرکت‌های دارای اطلاعات ناقص	(۱۴۴)
۴	صنایع با تعداد شرکت کمتر از ۷ شرکت	(۱۸)

۵	تعداد شرکت‌های واجد شرایط منتخب به عنوان نمونه	۱۶۰
---	--	-----

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش و سنجش متغیرها

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش و بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی به پیروی از الصمدی (۲۰۲۳) از مدل (۱) استفاده شده است [۱۳].

$$Taxv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Pol_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 MTBV_{i,t} + \beta_5 \Delta ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی ($Taxv$): برای اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) از سنجه نرخ موثر مالیات استفاده شده است [۲۲]. نرخ موثر مالیات از تقسیم مجموع مالیات شرکت در پایان سال بر درآمد قبل از مالیات در پایان سال به دست می‌آید. رگو (۲۰۰۳) بیان می‌کند کاهش میزان نرخ موثر مالیات نشان دهنده سطح بالایی از اجتناب مالیاتی است [۴۰].

متغیر مستقل

ارتباطات سیاسی (Pol): ارتباطات سیاسی در این پژوهش به پیروی از فاسیو (۲۰۰۶) از طریق درصد مالکیت دولت در سهام شرکت‌ها محاسبه شده است [۲۷].

متغیرهای کنترلی

رشد شرکت ($MTBV$): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است [۸]. اندازه شرکت ($Size$): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت. انتظار می‌رود شرکت‌های بزرگ‌تر دارای ثبات بیشتری در بازار باشند و با منابع بیشتر و جریانهای نقدی قوی‌تر اجتناب مالیاتی کمتری داشته باشند.

اهرم مالی (Lev): برابر است با نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها. به اعتقاد هوانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۶) اهرم مالی ممکن است شرکت‌ها را از معافیت مالیاتی بهره‌مند کند و در نتیجه انگیزه کمتری برای شرکت در اجتناب از مالیات فراهم آورد [۳۱]. از سوی دیگر، شرکت‌های بسیار اهرمی ممکن است دارای انگیزه استفاده از اجتناب مالیاتی به منظور ذخیره پول نقد برای پرداخت بدهی باشند.

تغییرات بازده دارایی‌ها (ΔROA): برابر است با تغییرات نسبت بازده دارایی‌ها (سود خالص بر جمع دارایی‌ها). الصمدی (۲۰۲۳) معتقد است شرکت‌های دارای بازده کم ممکن است انگیزه بیشتری برای اجتناب از مالیات داشته باشند [۱۲].

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش و بررسی تأثیر تعدیل‌کننده کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی به تبعیت از الصمدی (۲۰۲۳) از مدل (۲) استفاده شده است [۱۲].

$$Taxv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Pol_{i,t} + \beta_2 AIQ_{i,t} + \beta_3 Pol_{i,t} \times AIQ_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 MTBV_{i,t} + \beta_7 \Delta ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

¹ Huang et al.

در مدل (۲) تعاریف متغیرها مشابه مدل (۱) است. تنها متغیر تعدیل گر کیفیت اطلاعات حسابداری (AIQ) و تعامل آن با متغیر ارتباطات سیاسی به مدل (۱) افزوده شده است. کیفیت اطلاعات حسابداری به استفاده کنندگان کمک می کند تصمیم های بهتری اتخاذ نموده و تخصیص منابع درون شرکت را بهبود بخشند و منجر به کاهش ریسک و هزینه پردازش اطلاعات می شود (ژانگ و یانگ، ۲۰۱۸). در این پژوهش برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات حسابداری از معیار کیفیت اقلام تعهدی دیچو و دیچف^۱ (۲۰۰۲) استفاده شده است [۲۳].

مدل (۳)
$$TCA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$
 ($TCA_{i,t}$): کیفیت اقلام تعهدی جاری شرکت i در پایان سال t که از تفاضل جریان نقد کل از سود خالص بدست می آید. $CFO_{i,t-1}$: جریان نقدی شرکت i در پایان سال $t-1$. $CFO_{i,t}$: جریان نقدی شرکت i در پایان سال t . $CFO_{i,t+1}$: جریان نقدی شرکت i در پایان سال $t+1$ و $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده برازش مدل (۳) که معیار تعیین کیفیت اقلام تعهدی می باشد (اقلام تعهدی اختیاری). با توجه به این که اجتناب مالیاتی شرکت ها در صنایع مختلف، متفاوت است؛ اثرات صنعت که مبین نوع صنعت است با استفاده از متغیر مجازی سنجیده شده است. همچنین برای در نظر گرفتن اثرات تصادفی سال نیز از متغیر مجازی استفاده شده است.

یافته های پژوهش

جدول (۲) آمار توصیفی داده های پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
کیفیت اطلاعات حسابداری	AIQ	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۸	۰/۵۹۵	-۰/۸۷۹	۰/۱۲۰
تغییرات بازده دارایی ها	ΔROA	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۰/۵۰۵	-۰/۶۷۲	۰/۱۲۶
اهرم مالی	Lev	۰/۵۲۸	۰/۵۲۵	۱/۳۴۲	۰/۰۳۱	۰/۲۱۴
نسبت ارزش بازار به دفتری	MTBV	۴/۴۳۵	۳/۳۷۶	۱۸/۱۷۴	-۶/۵۳۶	۳/۶۱۰
ارتباطات سیاسی	Pol	۰/۵۴۶	۰/۶۳۶	۰/۹۸۰	۰/۰۰۰	۰/۳۰۱
اندازه	Size	۱۵/۲۴۹	۱۴/۹۷۳	۲۱/۳۲۷	۱۱/۱۹۷	۱/۷۰۷
اجتناب مالیاتی	Taxv	۰/۱۰۴	۰/۱۰۲	۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۸۹

میانگین اجتناب مالیاتی (نرخ موثر مالیات) بالغ بر ۰/۱۰۴ است که با توجه به نرخ مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یعنی ۲۲/۵٪ می توان بیان کرد میزان اجتناب مالیاتی در شرکت های نمونه نسبتاً بالا است. مقدار بیشینه این متغیر که ۰/۴۶۴ است به دلیل وجود مالیات معوق سال های قبل بوده است که با مالیات سال جاری تجمیع شده و نرخ بالایی محاسبه شده است. میانگین تغییرات

¹ Dechow & Dichev

بازده دارایی‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه در طی دو سال متوالی تنها ۱٪ تغییر در سودآوری را ثبت نموده‌اند و بیشینه تغییر سود طی دو سال متوالی ۵۰٪ بوده است. متغیر ارتباطات سیاسی (درصد مالکیت دولتی) نشان می‌دهد به طور متوسط ۵۴۶٪ سهام شرکت‌های نمونه در اختیار دولت و نهادهای وابسته به دولت بوده است. اهرم مالی دارای میانگین ۵۲۸٪ است.

بررسی پیش شرط‌های مدل‌های پژوهش

به منظور آزمون فروض کلاسیک، آزمون ویگینز - پوی (ناهمسانی واریانس) و آزمون براش - گادفری (عدم خودهمبستگی سریالی) استفاده شده است. همچنین برای بررسی عدم همخطی بین متغیرهای توضیحی آماره عامل تورم واریانس محاسبه شده است که مقادیر آن در جدول نهایی آزمون فرضیه ارائه شده است. در ادامه نتایج آزمون‌های مذکور در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل	معناداری	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۰۰۰	وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۲)	۰/۰۰۰	وجود واریانس ناهمسانی

طبق نتایج جدول، دو مدل (۱) و (۲) دچار ناهمسانی واریانس هستند (رد فرض همسانی واریانس) و لذا جهت برازش نهایی مدل‌ها بایستی از انحراف استاندارد نیرومند استفاده شود [۱]. نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی نیز در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی

مدل	معناداری	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۲۱۵	عدم وجود خودهمبستگی
مدل (۲)	۰/۴۱۱	عدم وجود خودهمبستگی

نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها است در نتیجه نیازی به تغییر در مدل نیست. نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن نیز در ادامه تشریح می‌شود. مدل (۳) که جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده؛ به ازای هر سال -صنعت برازش شده و در نتیجه در مورد این مدل نیازی به انجام آزمون‌های لیمر و هاسمن نیست.

جدول ۵: نتایج آزمون تشخیصی لیمر

مدل	معناداری	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۰۰۰	ارجحیت مدل پانل دیتا
مدل (۲)	۰/۰۰۰	ارجحیت مدل پانل دیتا

نتایج جدول (۵) بیانگر ارجحیت رویکرد پانل دیتا نسبت به رویکرد تلفیق داده‌ها در هر دو مدل است. در نتیجه باید آزمون هاسمن برای انتخاب از بین پانل اثرات ثابت و اثرات تصادفی انجام شود.

جدول ۶: نتایج آزمون تشخیصی هاسمن

مدل	معناداری	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۰۰۰	ارجحیت پانل اثرات ثابت
مدل (۲)	۰/۰۰۰	ارجحیت پانل اثرات ثابت

طبق نتایج جدول (۶) برای برازش نهایی مدل‌های (۱) و (۲) رویکرد پانل اثرات ثابت بر سایر روش‌ها ارجحیت دارد [۱]. در ادامه ابتدا مدل (۳) بر مبنای سال-صنعت برازش و باقیمانده‌های مدل جهت محاسبه اقلام تعهدی اختیاری استخراج شده است تا در مدل (۲) مورد استفاده قرار گیرند. سپس مدل‌های (۱) و (۲) برازش و به آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش پرداخته شده است.

برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

جدول (۷) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۷: نتایج برآورد مدل (۱)

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	معناداری آماره t	آماره VIF
Pol	-۰/۰۰۰۸۳۰	۰/۰۰۰۲۶۳	-۳/۱۵۵	۰/۰۰۱۷	۱/۰۳۶
Size	-۰/۰۰۱۰۳۰	۰/۰۰۰۹۷۷	-۱/۰۵۴	۰/۳۶۵۹	۱/۰۹۹
Lev	۰/۰۱۳۵۹۴	۰/۰۰۵۶۵۲	۲/۴۰۵	۰/۰۱۶۳	۱/۰۸۳
MTBV	۰/۰۰۰۰۲۶	۰/۰۰۰۰۰۸	۲/۹۱۶	۰/۰۰۳۶	۱/۰۰۷
DROA	-۰/۰۳۷۸۷۰	۰/۰۱۰۱۰۴	-۳/۷۴۸	۰/۰۰۰۰	۱/۱۴۵
عرض از مبدا	۰/۱۱۳۹۴۵	۰/۰۱۶۳۱۶	۶/۹۸۳	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین	۰/۸۴۷	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۲۰		
آماره F	۳۲/۲۶	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۱/۶۶				

قبل از اقدام به آزمون فرضیه بایستی وضعیت کلی مدل (۱) بررسی شود. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۸۲ است که بیانگر قدرت توضیحی تقریباً ۸۲٪ متغیرهای توضیحی در تشریح تغییرات متغیر وابسته است. سطح معناداری آماره F که ۰/۰۰۰۰ است بیانگر معناداری مدل رگرسیون است. مقادیر آماره عامل تورم واریانس نیز با توجه به این که همگی کمتر از ۵ هستند، بیانگر عدم وجود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی است.

در فرضیه اول متغیر مستقل ارتباطات سیاسی است که سطح معناداری آماره t آن ۰/۰۰۱۷ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. در نتیجه فرض صفر آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر رد می‌شود که به معنای عدم رد فرضیه اول است. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیونی متغیر ارتباطات

سیاسی می‌توان بیان کرد نوع رابطه بین ارتباطات سیاسی و نرخ موثر مالیات از نوع منفی است. اما با توجه به اینکه هر چه نرخ موثر مالیات کمتر باشد در نتیجه اجتناب مالیاتی بیشتر بوده است، لذا ارتباط بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی از نوع مستقیم است؛ یعنی با افزایش میزان ارتباطات سیاسی، میزان اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. در بین متغیرهای کنترلی نیز ارتباط معنادار و مستقیم بین اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به دفتری با متغیر نرخ موثر مالیات وجود دارد در حالی که ارتباط بین تغییرات بازده دارایی‌ها و نرخ موثر مالیات معکوس است. ارتباط بین متغیر اندازه و نرخ موثر مالیات نیز در سطح ۹۰٪ معنادار است.

جدول (۸) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۸: نتایج برآورد مدل (۲)

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	معناداری آماره t	آماره VIF
Pol	-۰/۰۰۱۰۳۶	۰/۰۰۰۲۵۵	-۴/۰۶	۰/۰۰۰۱	۱/۲۵۴
AIQ	-۰/۰۰۴۲۰۶	۰/۰۰۸۳۴۳	-۰/۵۰	۰/۶۱۴۲	۲/۵۱۸
Pol*AIQ	۰/۰۰۱۱۴۸۰	۰/۰۰۰۴۳۴	۲/۶۴	۰/۰۱۶۲	۳/۵۵۵
Size	-۰/۰۰۱۰۶۶	۰/۰۰۰۶۰۰	-۱/۷۷	۰/۰۷۶۳	۱/۱۰۳
Lev	۰/۰۱۳۶۰۶۰	۰/۰۰۵۶۱۵	۲/۴۲	۰/۰۱۵۶	۱/۳۰۵
MTBV	۰/۰۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۰۰۷	۲/۸۸	۰/۰۰۴۰	۱/۰۱۶
DROA	-۰/۰۰۴۰۱۵	۰/۰۰۰۸۳۷	-۴/۷۹	۰/۰۰۰۰	۱/۱۷۷
عرض از مبدا	۰/۱۱۴۶۰۲	۰/۰۱۶۳۱۵	۷/۰۲	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین	۰/۸۴۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۲۱	
آماره F	۳۱/۹۲	معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰	
آماره دوربین واتسون	۱/۶۶				

قبل از اقدام به آزمون فرضیه دوم بایستی وضعیت کلی مدل (۲) مورد بررسی قرار گیرد. در مدل (۲)، ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۸۲ است که بیانگر قدرت توضیحی تقریباً ۸۲٪ متغیرهای توضیحی در تشریح تغییرات متغیر وابسته است. سطح معناداری آماره F که ۰/۰۰۰۰ است بیانگر معناداری مدل (۲) است. مقدار آماره دوربین واتسون با توجه به اینکه در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ لذا فرض عدم خودهمبستگی با توجه به این آزمون تایید می‌شود. مقادیر آماره عامل تورم واریانس نیز همگی کمتر از ۵ هستند، که بیانگر عدم وجود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی است. در فرضیه دوم متغیر مستقل از نوع تعدیل گر، کیفیت اطلاعات حسابداری است. سطح معناداری آماره t متناظر با متغیر تعاملی کیفیت اطلاعات حسابداری و ارتباطات سیاسی ۰/۰۰۰۱ است که از ۰/۰۵ کوچک تر است. در

نتیجه فرض صفر آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر رد می‌شود و به معنای وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است. بنابراین فرضیه دوم رد نمی‌شود. به عبارتی، کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی را به طور معناداری تعدیل می‌کند. در بین متغیرهای کنترلی ارتباط معنادار و مستقیم بین اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به دفتری با متغیر اجتناب مالیاتی وجود دارد در حالی که ارتباط بین تغییرات بازده دارایی‌ها و نرخ موثر مالیات معکوس است. ارتباط بین متغیر اندازه و نرخ موثر مالیات نیز در سطح ۹۰٪ معنادار است.

آزمون تکمیلی

به منظور سنجش استحکام نتایج برای فرضیه دوم پژوهش، مدل (۲) پژوهش با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^۱ برازش شد که نتایج در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹: نتایج تکمیلی برآورد مدل (۲)

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره T	معناداری آماره T
TAXV (-۱)	۰/۵۶۰۶۸۸	۰/۰۵۷۵۵۳	۹/۷۴۲۰۶۱	۰/۰۰۰۰
Pol	-۰/۲۴۵۳۹۱	۰/۰۵۴۷۳۶	-۴/۴۸۳۱۶۵	۰/۰۰۰۰
AIQ	-۰/۱۱۷۵۲۶	۰/۰۷۱۴۲۱	-۱/۶۴۵۵۳۹	۰/۱۰۱۸
Pol*AIQ	۰/۱۸۱۴۶۹	۰/۱۱۷۷۶۱	۲/۵۴۰۹۸۵	۰/۰۲۲۱
Size	-۰/۰۱۹۴۹۴	۰/۰۰۷۰۸۲	۲/۷۵۲۵۴۲	۰/۰۲۰۳
Lev	۰/۰۱۴۳۰۴	۰/۰۴۲۲۸۱	۰/۳۳۸۳۰۴	۰/۷۳۵۶
MTBV	۰/۰۲۳۷۸۵	۰/۰۰۴۹۴۰	۴/۸۱۴۲۱۸	۰/۰۰۰۰
DROA	-۰/۰۰۰۶۳۶	۰/۰۰۰۴۶۹	-۰/۰۱۸۹۹۰	۰/۹۸۴۹
عرض از مبدا	۰/۱۱۴۶۰۲	۰/۰۱۶۳۱۵	۷/۰۲	۰/۰۰۰۰
معناداری آرلانو بوند وقفه اول	۰/۰۰۰۰	معناداری آرلانو بوند وقفه دوم	۰/۱۶۵۳	

نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی آرلانو بوند در وقفه‌های اول و دوم نشان از وجود خودهمبستگی مرتبه اول و عدم وجود خودهمبستگی سریالی در وقفه دوم و معتبر بودن نتایج است. با توجه به سطح معناداری متغیر تعاملی کیفیت اطلاعات حسابداری و ارتباطات سیاسی که ۰/۰۲۲۱ و کمتر از ۵٪ است، به معنای عدم رد فرضیه پژوهشی است. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی متغیر مستقل، نوع ارتباط بین دو متغیر مستقیم است. نتایج رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته موید نتایج رویکرد حداقل مربعات است و استحکام نتایج را تقویت می‌کند.

¹ Generalized Method of Moments

بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاکی از آن است ارتباط مستقیم و معناداری بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. نتیجه بدست آمده از فرضیه اول با پژوهش‌های پیشین از جمله الصمدی (۲۰۲۳)، سوسانتی و همکاران (۲۰۲۰)، عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) و کیم و ژانگ (۲۰۱۶) همسو است [۳۴، ۱۲، ۴۳، ۸]. یافته‌های فرضیه اول پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی باعث افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود. شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر توانایی بیشتری در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و پنهان کردن اقدامات پیچیده با استفاده از تعهدات دارند. این نتایج با نظریه نمایندگی مطابقت دارد که مدعی است مدیریت ممکن است به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و نمایندگان در اجتناب مالیاتی شرکت کنند. روابط سیاسی مدیریت با دولت و سیاستگذاران انگیزه شجاعت مدیریت در پذیرش ریسک است. شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی دارند، تضمین‌ها یا رفتار ترجیحی از دولت دریافت می‌کنند [۲۷] و می‌توانند به مقررات مالیاتی و تلاش‌های اجرای قانون دسترسی داشته باشند [۹]، از خطرات دعاوی حقوقی در آینده محافظت می‌شوند [۴۲]، و ریسک تشخیص مالیات پایینی دارد [۳۴]. نتایج حاصل از این فرضیه با نظریه اقتصاد سیاسی منطبق است که در آن قدرت و نفوذ سیاسی به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات اقتصادی و مالی شناخته می‌شود. کسانی که در مراکز قدرت قرار دارند، از این نفوذ برای کسب امتیازات خاص اقتصادی، از جمله کسب امتیازات مالیاتی و حتی کاهش نظارت و مقررات استفاده می‌کنند. بر این اساس مدیریت انگیزه ورود به سیاست را دارد تا کمتر تحت فشار مقررات مالیاتی و کمتر در معرض نظارت قرار گیرد.

فرضیه دوم بیانگر این موضوع است که کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر تعدیلی معناداری در رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی دارد و باعث تضعیف این رابطه می‌شود. همچنین آزمون استحکام نتایج برای فرضیه دوم پژوهش موید تأثیر معنادار کیفیت اطلاعات حسابداری در رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی است و استحکام نتایج را تقویت می‌کند. کیفیت بالای اطلاعات حسابداری در محیط‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، می‌تواند به بهبود عملکرد و تخصیص منابع کمک کند و اثرات منفی این روابط را کاهش دهد. طبق نظر بوشمن و همکاران (۲۰۰۱)، گزارشگری مالی مبهم، پیچیدگی سازمان را افزایش و فضا را برای فعالیت مدیران سیاسی در راستای اجتناب مالیاتی تسهیل می‌نماید [۱۷]. این نتیجه با پژوهش الصمدی (۲۰۲۳) همسو بوده و تضادی با نتایج پژوهش‌های پیشین ندارد [۱۲]. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نیز از نظریه نمایندگی حمایت می‌کند که سازوکارهای حاکمیتی مانند عملکرد کیفیت اطلاعات حسابداری منجر به کاهش مشکلات نمایندگی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. یافته‌ها از استدلال وارد و همکاران (۲۰۰۹) پشتیبانی می‌کند و پیشنهاد می‌کند که کیفیت اطلاعات حسابداری به جای نقش مکمل در کاهش مشکل نمایندگی، نقش جانشین ایفا می‌کند و ارتباط بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۴۴]. بر اساس این یافته، کیفیت اطلاعات حسابداری در تنظیم رفتار فرصت‌طلبانه سیاستمداران بسیار حیاتی است.

در این پژوهش تلاش شد درک بیشتری نسبت به عوامل اجتناب مالیاتی ایجاد شود و به‌طور خاص، ارتباطات سیاسی به‌عنوان عامل اجتناب مالیاتی بررسی شد. یافته‌های این پژوهش در می‌تواند در درک اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری کمک نموده و توسط نهادهای مختلفی مانند قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران استفاده شود. یافته‌های پژوهش نشان داد ارتباطات سیاسی تأثیر مستقیمی بر اجتناب مالیاتی دارد که این امر می‌تواند منافی برای این شرکت‌ها به همراه داشته باشد (از جمله افزایش وجوه نقد در دسترس به دلیل کاهش میزان مالیات پرداختی). بنابراین به سرمایه‌گذاران توصیه می‌گردد در خرید سهام، به منافع حاصل از ارتباطات سیاسی توجه نمایند. بر مبنای نتایج فرضیه دوم پژوهش نیز به مدیران و ارکان حاکمیت شرکتی توصیه می‌شود با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضعیف رابطه بین ارتباطات سیاسی و نرخ موثر مالیاتی شوند. پژوهشگران آتی می‌توانند تأثیر تعدیلی متغیرهای داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی از جمله ویژگی‌های هیئت مدیره، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ساختار سهامداران را بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

۱. افلاطونی، عباس. (۱۴۰۲). کاربرد اقتصادسنجی در پژوهش‌های کمی حسابداری. چاپ اول، تهران، انتشارات ترمه.
۲. جلالی، فاطمه، هشی، عباس، دانشی، وحید، کامرانی، هدی. (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط بین عدم اطمینان محیطی، مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی». *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ۱۳۳-۱۴۶.
۳. حصنی‌مقدم، فاطمه، طالب‌نیا، قدرت‌اله. (۱۴۰۳). «طراحی الگوی تمکین مالیاتی شرکت‌ها با توجه به نقش دولت و نقش میانجی شرایط اقتصادی». *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۶(۶۲)، ۲۰۳-۲۲۲.
۴. رشیدی، محسن، محمدی‌راد، مهرشاد. (۱۳۹۹). «بررسی انگیزه‌های اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای سهامدار دولتی بر مبنای دوره تصدی مدیرعامل». *پژوهشنامه مالیات*، ۲۸(۴۵)، ۳۷-۵۸.
۵. قادری، بهمن، کفعمی، مهدی، کریمی‌حصاری، فرشاد. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر شکاف مالیاتی». *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۱(۲)، ۱-۱۶.
۶. کاظمی سراسکانرود، زهرا، شیرخدایی، میثم. (۱۴۰۲). «تأثیر روابط سیاسی بر اجتناب مالیاتی: نقش تعدیلگر مسئولیت اجتماعی منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس اوراق بهادار تهران». *مدیریت منابع انسانی پایدار*، ۵(۹)، ۳۳-۴۸.
۷. مهدی‌فرد، محمدرضا، رویایی، رمضانعلی. (۱۳۹۴). «مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی». *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۸(۲۵)، ۱۹-۲۸.
8. Abdul Wahab, E. A., Ariff, A. M., Madah Marzuki, M., Mohd Sanusi, Z. (2017). "Political Connections, Corporate Governance, and Tax Aggressiveness in Malaysia." *Asian Review of Accounting*, 25(3), 424-451.
9. Ajili, H., Khelif, H. (2020). "Political Connections, Joint Audit and Tax Avoidance." *Journal of Financial Crime*, 27(1), 155-171.

10. Alfiah, N., Subroto, B., Ghofar, A. (2022). "Is Tax Avoidance Caused by Political Connections and Executive Characteristics?" **Jurnal Akuntansi Multiparadigma**, 13(1), 32–41.
11. Alsmady, A. A. (2022). "Accounting Information Quality and Tax Avoidance Effect on Investment Opportunities: Evidence from Gulf Cooperation Council Countries." **Cogent Business & Management**, 9(1), Article 2143020.
12. Alsmady, A. A. (2023). "The Effect of Political Connection on Corporate Tax Avoidance." **Journal of Governance and Regulation**, 12(1), 333–347.
13. Annuar, H. A., Salihu, I. A., Obid, S. N. S. (2014). "Corporate Ownership, Governance and Tax Avoidance: An Interactive Effect." **Procedia—Social and Behavioral Sciences**, 164, 150–160.
14. Aronmwan, E. J., Okafor, C. (2019). "Corporate Tax Avoidance: Review of Measures and Prospects." **International Journal of Accounting & Finance**, 8(2), 21–42.
15. Bataineh, A. (2021). "Does the Tax System Reduce Tax Evasion in Light of the Governance Mechanisms?" **Research in World Economy**, 12(2), 99–112.
16. Bradshaw, M., Liao, G., Ma, M. (2019). "Agency Costs and Tax Planning When the Government Is a Major Shareholder." **Journal of Accounting and Economics**, 67(2–3), 255–277. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2018.10.002>
17. Bushman, R. M., Smith, A. J. (2001). "Financial Accounting Information and Corporate Governance." **Journal of Accounting and Economics**, 32(1–3), 237–333.
18. Butje, S., Tjondro, E. (2014). "Pengaruh Karakter Eksekutif dan Koneksi Politik terhadap Tax Avoidance." **Tax Accounting Review**, 4(2), 1–9.
19. Chaney, P. K., Faccio, M., Parsley, D. (2011). "The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms." **Journal of Accounting and Economics**, 51(1–2), 58–76.
20. Chen, H., Tang, S., Wu, D., Yang, D. (2021). "The Political Dynamics of Corporate Tax Avoidance." **The Accounting Review**, 96(5), 157–180.
21. Chen, T., Lin, C. (2017). "Does Information Asymmetry Affect Corporate Tax Aggressiveness?" **Journal of Financial and Quantitative Analysis**, 52(5), 2053–2081.
22. Chen, X., Hu, N., Wang, X., Tang, X. (2014). "Tax Avoidance and Firm Value: Evidence from China." **Nankai Business Review International**, 5(1), 25–42.
23. Dechow, P. M., Dichev, I. D. (2002). "The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors." **The Accounting Review**, 77(S-1), 35–59.
24. Desai, M. A., Dharmapala, D. (2006). "Corporate Tax Avoidance and High-Powered Incentives." **Journal of Financial Economics**, 79(1), 145–179.
25. Desai, M. A., Dyck, A., Zingales, L. (2007). "Theft and Taxes." **Journal of Financial Economics**, 84(3), 591–623.
26. Faccio, M. (2010). "Differences Between Politically Connected and Nonconnected Firms: A Cross-Country Analysis." **Financial Management**, 39(3), 905–928.
27. Faccio, M., Masulis, R. W., McConnell, J. J. (2006). "Political Connections and Corporate Bailouts." **The Journal of Finance**, 61(6), 2597–2635.
28. Fisman, R. (2001). "Estimating the Value of Political Connections." **American Economic Review**, 91(4), 1095–1102. DOI: <https://doi.org/10.1257/aer.91.4.1095>

29. Higgins, D., Omer, T., Phillips, J. (2015). "Influence of a Firm's Business Strategy on Its Tax Aggressiveness." **Contemporary Accounting Research**, 32(2), 674–702.
30. Hillman, A. J., Withers, M. C., Collins, B. J. (2009). "Resource Dependence Theory: A Review." **Journal of Management**, 35(6), 1404–1427.
31. Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., Xie, H. (2016). "Customer Concentration and Corporate Tax Avoidance." **Journal of Banking & Finance**, 72, 184–200.
32. Jensen, M. C., Meckling, W. H. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure." **Journal of Financial Economics**, 3(4), 305–360.
33. Joni, J., Ahmed, K., Hamilton, J. (2020). "Politically Connected Boards, Family and Business Group Affiliations, and Cost of Capital: Evidence from Indonesia." **The British Accounting Review**, 52(3), Article 100878.
34. Kim, C., Zhang, L. (2016). "Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness." **Contemporary Accounting Research**, 33(1), 78–114.
35. Lanis, R., Richardson, G. (2011). "The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness." **Journal of Accounting and Public Policy**, 30(1), 50–70.
36. Liu, Q., Luo, W., Rao, P. (2015). "The Political Economy of Corporate Tax Avoidance." **SSRN**. DOI: <https://doi.org/10.2139/ssrn.2709608>
37. Ofoegbu, N. G., Odoemelam, N. (2018). "International Financial Reporting Standards (IFRS) Disclosure and Performance of Nigerian Listed Companies." **Cogent Business & Management**, 5(1), Article 1542967.
38. Oktavia, O. (2020). "Independent Corporate Governance Organs' Activities, Tax Avoidance, and Country Tax Environment: Evidence from ASEAN Countries." **Pertanika Journal of Social Sciences and Humanities**, 28(2), 1485–1505.
39. Qingyuan, L., Lumeng, W. (2018). "Financial Statement Comparability and Corporate Tax Avoidance." **China Journal of Accounting Studies**, 6(4), 448–473.
40. Rego, S. (2003). "Tax Avoidance Activities of U.S. Multinational Corporations." **Contemporary Accounting Research**, 20(4), 805–833.
41. Resti Yulistia, M., Minovia, A. F., Anison, F. P. (2020). "Ownership Structure, Political Connection and Tax Avoidance." **International Journal of Innovation, Creativity and Change**, 11(12), 497–512.
42. Rustiarini, N. W., Sudiartana, I. M. (2021). "Board Political Connection and Tax Avoidance: Ownership Structure as a Moderating Variable." **Jurnal Dinamika Akuntansi dan Bisnis**, 8(2), 128–144.
43. Susanti, P. E., Badri, R., Putri, A. S. (2020). "Political Connection and Tax Avoidance." **International Journal of Psychosocial Rehabilitation**, 24(1), 1139–1159.
44. Ward, A. J., Brown, J. A., Rodriguez, D. (2009). "Governance Bundles, Firm Performance, and the Substitutability and Complementarity of Governance Mechanisms." **Corporate Governance: An International Review**, 17(5), 646–660.
45. Zejnullahu, N. (2021). "Principal-Agent Problems in Publicly Owned Enterprises: The Failure of the Shareholder." **Journal of Governance and Regulation**, 10(4), 70–83.



The Impact of Accounting Information Quality on Tax Avoidance Based on Political Relations

Mahdi Kazemiloum

Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Mohsen Khotanlou¹©

Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Amin Sohrabi

Senior Auditor, Iranian National Tax Administration, Hamedan, Iran

(Received: November 18, 2024; Accepted: April 14, 2025)

According to the theory of political interests, companies and managers affiliated with government or political institutions may tend to avoid or reduce taxes. Companies strongly desire to establish close relationships with the government and politicians because these relationships bring many benefits. Self-interest and political motivations are strongly related to companies' decisions, especially in the behaviors related to tax avoidance. Based on this, this research aims to investigate the effect of political connections on tax avoidance, emphasizing the moderating role of accounting information quality. To achieve this goal and test the research hypotheses, 160 Tehran Stock Exchange-accepted companies' data was collected from 2015 to 2022 and examined and tested with the multiple regression approach. The research results show a direct and significant relationship between political connections and tax avoidance. So, with the increase in political connections, the amount of tax avoidance also increases. Also, the results indicate that the quality of accounting information significantly moderates the relationship between political connections and tax avoidance. The test of the robustness of the results using the generalized moments approach also confirms the significant effect of the quality of accounting information on the relationship between political connections and tax avoidance and strengthens the robustness of the results. According to the research findings, the quality of accounting information is an effective tool in controlling tax avoidance activities and weakens the relationship between political connections and tax avoidance.

Keywords: Political connections, Tax Avoidance, Quality of Accounting Information.

¹ mkhotanlou@basu.ac.ir© (Corresponding Author)